

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه قم

دانشکده حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

عنوان:

بررسی فقهی و حقوقی اعتبار رشد در عقد نکاح

استاد راهنما:

دکتر محمدباقر پارساپور

استاد مشاور:

حجت الاسلام سید مهدی دادمرزی

دانشجو:

مهین حسین آبادی

پاییز ۱۳۸۸

تقدیم بہ تمامی پویندگان طریقت علم و معرفت.

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می‌دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مراد تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده‌اند، تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر محمد باقر پارسا پور که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده‌اند نهایت سپاسگزاری را دارم.

از جناب آقای سید مهدی دادمرزی به عنوان مشاور که بارها همیاری خود را مورد لطف قرار داده‌اند و زحمات زیادی را در به ثمر رسیدن این تحقیق متقبل شده‌اند کمال تشکر را دارم.

چکیده

رشد در معنی عام به عنوان ویژگی که به انسان لیاقت و شایستگی نگه‌داری و اداره و بهره‌برداری از امکانات و مسئولیتها و سرمایه‌های مادی و معنوی که به او سپرده می‌شود را اعطاء می‌نماید ولی در معنی خاص آن رشد به عنوان یکی از عوامل اصلی اهلیت طرفین در قراردادهای مالی که مستلزم تصرف شخص در دارایی خویش می‌باشد به شمار می‌آید و در این باره بین فقها، اعم از امامیه و عامه به استناد آیاتی چند از قرآن کریم اتفاق نظر وجود دارد و قانون مدنی در این ارتباط به پیروی از فقه، رشد را لازمه اهل دانستن طرفین معامله می‌داند. در خصوص عقد نکاح اکثریت فقیهان به علت آثار مالی این عقد، استقلالی برای فرد غیر رشید در انعقاد عقد یاد شده قائل نیستند و اذن ولی را در این خصوص ضروری می‌دانند. علاوه بر آن در خصوص رشد خاص در عقدنکاح که یک نوع رشد غیر مالی است نظراتی مطرح می‌باشد، نگارنده در این پایان نامه به بررسی دیدگاههای مختلف در این باره و نیز مطالعه آن در حقوق موضوعه کشور پرداخته و با بررسی جوانب مختلف موضوع و با توجه به مواد قانون مدنی در این خصوص که اهم آنها ماده ۲۱۱ این قانون می‌باشد و در آن به پیروی از فقه امامیه عوامل اهلیت متعاقدين رادرهمه عقود بطور کلی مطرح نموده و رشدرا نیز یکی از آنها بر شمرده است که دیدگاه قانون مدنی مبتنی بر اعتبار رشد در عقد نکاح می‌باشد. اما مطابق دیدگاه مورد تأیید نویسنده به دلیل ماهیت غیرمالی عقد نکاح، غیررشید می‌تواند همانند دیگر عقود غیرمالی، شخصاً طرف ایجاب و قبول واقع شود و رشد لازمه صحت این عقد نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: اهلیت، حجر، رشد، سفاهت، نکاح سفیه، اذن ولی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	الف - طرح موضوع و اهمیت آن
۱	ب - تعریف مسئله و بیان سؤالات اصلی
۲	د- سابقه و پیشینه تحقیق
۳	ه- ضرورت انجام تحقیق
۳	و- هدف و کاربردها
۳	ز- جنبه نوآوری و جدید بودن طرح
۳	ح- روش تحقیق
۳	ط- تقسیم‌بندی کلی مطالب
۵	فصل اول: کلیات
۷	مبحث اول - اهلیت و حجر
۷	گفتار اول - اهلیت:
۸	الف - اهلیت تمتع
۸	ب- اهلیت استیفاء یا اهلیت اجرای حق:
۹	ج - مبنا و اوصاف اهلیت:
۹	ا-مبنای اهلیت
۱۰	گفتار دوم: حجر

- الف - انواع حجر ۱۱
- ب - حجر در حقوق موضوعه ۱۲
- گفتار سوم : زوال حجر ۱۳
- الف - بلوغ ۱۳
- ۱- بلوغ در قرآن ۱۳
- ۲- بلوغ در فقه ۱۵
۳. بلوغ در قانون مدنی ۱۶
- ب - رشد ۱۸
- گفتار اول - رشد در علوم گوناگون ۱۹
- الف - رشد در زیست‌شناسی ۱۹
- ۱- دوره حساس رشد در زیست‌شناسی ۲۰
- ۲- ارتباط رشد جسمی و ذهنی ۲۰
- ب - رشد در روانشناسی ۲۱
- ج - رشد در اخلاق ۲۲
- د- رشد در آیات و روایات: ۲۳
- ۱- رشد در آیات قرآن: ۲۳
- ۲- رشد در روایات ۲۶
- گفتار دوم- عدالت و رشد ۲۷
- الف - عدالت و رشد در فقه امامیه ۲۷
- ب- عدالت و رشد در فقه عامه ۲۹
- ج - احراز رشد ۳۱
- ۱- اختبار و آزمایش ۳۱
- ۲- گواهی ۳۳
- ۳- رأی دادگاه ۳۴
- ۴- عرف ۳۶
- گفتار سوم - سن رشد در حقوق موضوعه ۳۷
- الف - ماده ۲۱۱ قانون مدنی و ماده واحده ۳۷

- ب - رشد در جلد دوم قانون مدنی (مواد ۱۰۴۱-۱۰۴۳ ق.م): ۳۹
- ج - مواد ۱۲۰۹ و ۱۲۱۰ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴: ۳۹
- د- قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳: ۴۱
- گفتار چهارم - اماره رشد بعد از سال ۱۳۶۱: ۴۲
- الف - بررسی اعتبار قانون راجع به رشد متعاملین: ۴۳
- ب - بررسی ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۶۱: ۴۵
- ۱- نظریه کمیسیون استفتائات شورای عالی قضایی: ۴۵
- ۲- رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور: ۴۷
- ۱-۲- نقد و بررسی رأی: ۴۸
- ۲-۲. نقد رأی دعوی رشد و حضانت: ۵۱
- ۵۵..... **فصل دوم: اعمال حقوقی غیررشدید**
- ۵۶..... **مبحث اول- حجر سفیه در تصرفات مالی**
- گفتار اول. عقود تملیکی: ۵۹
- الف - بیع: ۶۰
- ب - معاوضه: ۶۱
- ج - اجاره: ۶۲
- د-قرض: ۶۳
- ه- وصیت تملیکی: ۶۴
- ۱- اهلیت موصی: ۶۵
- گفتار دوم -عقود عهدی: ۶۶
- الف- عقد ضمان: ۶۶
- ب- جعاله: ۶۸
- ج- مضاربه: ۶۹
- ۱-تعریف مضاربه: ۶۹
- ۲-بررسی فقهی رشد در مضاربه: ۷۰
- ۳- انفساخ عقد مضاربه: ۷۰
- گفتار سوم- عقود اذنی: ۷۱

- الف-ودیعه ۷۱
- ۱-مسئولیت گیرنده مال محجور..... ۷۲
- ۲- ضمان سفیه ۷۳
- ۳- علم و جهل در معامله با سفیه ۷۵
- ب- عاریه..... ۷۷
- ۱- اهلیت معیر ۷۷
- ج- عقد وکالت ۷۸
- گفتار چهارم- اذن ولی ۸۱
- الف- اذن عمومی ۸۱
- ب- امضاء ولی ۸۲
- مبحث دوم- تصرفات غیر مالی سفیه** ۸۳
- گفتار اول- تصرفات غیر مالی سفیه در فقه امامیه..... ۸۴
- ب- اقرار سفیه ۸۵
- ج- عفو از قصاص ۸۷
- گفتار دوم- حجر سفیه در فقه عامه ۸۷
- الف- مذهب حنفیه ۸۷
- ب- مذهب مالکیه ۸۹
- ج- مذهب شافعیه ۹۰
- ۱- حکم حجر ۹۰
- ۲- ولی سفیه..... ۹۰
- ۳- تصرفات سفیه ۹۰
- ۴- اقرار سفیه..... ۹۱
- ۵- نکاح و عقد ۹۱
- د- مذهب حنابله ۹۱
- ۱- ولی سفیه..... ۹۱
- ۲- تصرفات سفیه ۹۲
- فصل سوم: احکام و آثار رشد زوجین در عقد نکاح** ۹۴

- گفتار اول - بررسی رشد زوج در عقد نکاح..... ۹۷
- الف - عدم نفوذ نکاح..... ۹۷
- ب-صحت نکاح..... ۹۹
- ج - ضرورت نکاح سفیه..... ۱۰۰
- ۱-اذن ولی..... ۱۰۱
- ۱-۲- نظریه اطلاق اذن ولی..... ۱۰۲
- ۲- نیاز سفیه به ازدواج و عدم اذن ولی..... ۱۰۳
- ۳-آثار ازدواج سفیه بدون اذن ولی..... ۱۰۴
- گفتار دوم - تأثیر رشد زوج در عقد نکاح..... ۱۰۶
- الف - نکاح بالغه رشیده..... ۱۰۶
- ۱-نکاح ثبیه رشیده..... ۱۰۶
- ۲- نکاح باکره رشیده..... ۱۰۷
- ۱-۲- طرح دیدگاهها و تبیین دلایل در فقه امامیه..... ۱۰۷
- ۲-۲- نکاح باکره رشیده در فقه عامه..... ۱۲۰
- ب - نکاح بالغه غیر رشیده..... ۱۲۱
- ۱- ضرورت نکاح بالغه غیر رشیده..... ۱۲۷
- ۲- عدم حصول تفویض از بالغه غیر رشیده..... ۱۲۷
- گفتار سوم - رشد در امور غیر مالی..... ۱۲۸
- الف - رشید در تصرفات مالی و غیر رشید در نکاح..... ۱۲۸
- ب- تحقیق مطلب..... ۱۳۲
- مبحث دوم - بررسی حقوقی رشد زوجین..... ۱۳۴
- گفتار اول - بررسی ماده ۲۱۱ و ۱۰۶۴ قانون مدنی..... ۱۳۴
- گفتار دوم - بررسی ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۱..... ۱۳۸
- گفتار سوم - آثار حقوقی عدم رشد زوجین در نکاح..... ۱۴۰
- نتیجه و پیشنهاد..... ۱۴۵
- پیشنهاد:..... ۱۴۷

۱۴۹ فهرست منابع
۱۴۹ الف) کتاب های فارسی
۱۵۱ ب) کتابهای عربی
۱۵۶ ج) مقالات

مقدمه

الف - طرح موضوع و اهمیت آن

عقد نکاح به عنوان یکی از عقود معین در فقه و حقوق مطرح است، با توجه به فراگیر بودن آن در سطح جامعه، موضوعات پیرامون آن از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. از جمله مسائلی که در صحت و یا عدم نفوذ آن عقد مطرح است موضوع رشد زوجین می باشد که نظر کارشناسان امر را بخود جلب نموده است که باعث ابراز نظریات متفاوتی در این خصوص شده است، به نظر می رسد اهمیت پرداختن به این موضوع کمتر از اهمیت بلوغ طرفین عقد به عنوان یکی از ارکان اهلیت برای انعقاد عقد نمی باشد.

ب - تعریف مسئله و بیان سؤالات اصلی

در حقوق ایران موضوع اعتبار رشد در عقد نکاح از موضوعات مهم قابل بحث در این عقد است. در قانون مدنی در این باره به صراحت مطلبی عنوان نشده است به همین دلیل در بین حقوقدانان دیدگاه واحدی پیرامون اعتبار رشد زوجین در صحت عقد نکاح وجود ندارد. و این اختلاف از آنجا ناشی می شود که در خصوص ماهیت عقد نکاح از جنبه مالی یا غیر مالی بودن آن نظر واحدی وجود ندارد از آنجا که قانونگذار مدنی تا حد زیادی از دیدگاه فقیهان امامیه الهام گرفته است، بررسی فقهی این موضوع می تواند کمک زیادی در روشن شدن زوایای مختلف بحث نماید. به همین دلیل عنوان این پایان نامه بررسی فقهی - حقوقی اعتبار رشد در عقد نکاح برگزیده شد تا با بررسی فقهی موضوع بتوان به تفسیر مواد قانون مدنی پرداخت.

سوالات اصلی که محور بحث این تحقیق هستند عبارتند از :

- ۱- آیا عقد نکاح دارای ماهیت مالی است یا ماهیت غیر مالی؟
- ۲- با توجه به ویژگیهای عقد نکاح رشد زوجین، چه تأثیری در صحت عقد نکاح دارد؟
- ۳- چه دیدگاههایی در فقه پیرامون موضوع اعتبار رشد زوجین در عقد نکاح وجود دارد؟
- ۴- دیدگاه قانون مدنی در این خصوص چیست؟
- ۵- آیا مراد از رشد در ازدواج صرفاً به معنی رشد در امور مالی بوده یا توانایی و صلاحیت انتخاب همسر (رشد در امور غیر مالی) را نیز شامل می‌گردد؟

ج - فرضیه‌ها

فرضیه‌هایی که مطرح می‌شود از این قرار است:

- ۱- عقد نکاح یک عقد غیر مالی و دارای آثار و تبعات مالی می‌باشد به همین دلیل رشد زوجین در صحت عقد نکاح تأثیری ندارد.
- ۲- بدلیل ماهیت مالی عقد نکاح رشد زوجین در عقد نکاح لازم است و عدم رشد به عدم نفوذ عقد منجر می‌گردد.
- ۳- رشد اختصاص به امور مالی ندارد و امور غیر مالی را نیز در بر می‌گیرد. و عقد نکاح در دو فرض مذکور اعم از اینکه ماهیت مالی یا غیر مالی داشته باشد مشمول آن می‌گردد.
- ۴- قانون مدنی به پیروی از نظر غالب در فقه رشد را در عقد نکاح معتبر می‌داند.
- ۵- قانون مدنی به پیروی از دیدگاه بعضی از فقها رشد را لازمه صحت عقد نکاح نمی‌داند.

د- سابقه و پیشینه تحقیق

با بررسی به عمل آمده، تدوین پایان‌نامه‌ای با این موضوع یعنی بررسی فقهی حقوقی اعتبار رشد زوجین در عقد نکاح یافت نشد اما بحث مزبور از منظر فقیهان دور نمانده و اکثراً به اختصار بدان پرداخته‌اند. در کتب حقوقی نظرات ارائه شده غالباً در مورد موضوع رشد در آثار و تبعات مالی ازدواج است. با این حال دیدگاه واحدی بین حقوقدانان در مورد لزوم رشد در عقد ازدواج وجود ندارد.

ه- ضرورت انجام تحقیق

چون در خصوص این موضوع سؤالات و ابهاماتی همچنان وجود دارد و با توجه به عدم صراحت قانون مدنی در این مورد علاقه‌مند به بررسی و تحقیق شدم.

و- هدف و کاربردها

تبیین مبانی فقهی و حقوقی در زمینه اعتبار یا عدم اعتبار رشد زوجین در عقد نکاح و آثار آن از جمله اهداف این تحقیق است که خود زمینه‌ساز رفع بسیاری از ابهامات و جوابگویی سؤالات در این زمینه بوده و رفع این ابهامات در صراحت و تدوین مواد قانونی نقش داشته و به تبع قوانین نیز در زندگی افراد نقش‌آفرین است.

ز- جنبه نوآوری و جدید بودن طرح

این تحقیق می‌تواند ضمن پاسخگویی به سؤالات از طریق بررسی فقهی - حقوقی موضوع ایجاد یک منبع در این زمینه نماید.

ح- روش تحقیق

روش تحقیق در این پایان‌نامه توصیفی - تحلیلی است و شیوه گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه و فیش‌برداری انجام و با استنتاج مطالب به آثار و نتایج موجود دست پیدا کرده است.

ط- تقسیم‌بندی کلی مطالب

این تحقیق در سه فصل تدوین شده که در فصل اول که به نام کلیات نام نهاده شده ، مباحث کلی چون اهلیت، حجر، بررسی رشد در علوم، روایات، قرآن، فقه اعم از امامیه و عامه و همچنین بررسی رشد در قانون مدنی و بررسی سن رشد در فقه و حقوق و قوانینی که در این باره تدوین شده و تاریخچه تدوین این قوانین مورد بحث قرار گرفته است و در فصل دوم حدود حجر غیر رشید در امور مالی و غیر مالی تفکیک شده و سعی نمودیم در هر بعد مثال‌هایی از عقود مختلف بیان گردد و مورد بررسی قرار گیرد و چگونگی لزوم اعتبار رشد در این عقود از منظر فقیهان و حقوق‌دانان مورد ارزیابی قرار گیرد.

در فصل سوم نیز به چگونگی تاثیر رشد زوجین در عقد نکاح پرداخته شده و نظرات مخالف و موافق در زمینه فقهی و حقوقی مورد بحث قرار گرفته و رشد زوج و زوجه به تفکیک بررسی و به ازدواج دختر باکره رشیده و غیر رشیده و نظرات فقها اعم از مشهور و غیر مشهور مورد بررسی و تحقیق واقع شده است.

فصل اول:

کلیات

این فصل که تحت عنوان کلیات تدوین شده است به بررسی مباحث کلی و مقدماتی جهت ایجاد زمینه برای ورود به بحث اصلی پرداخته است و موضوعاتی چون اهلیت و حجر و عناصر سازنده اهلیت از جمله رشد مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته به همین جهت این فصل به دو مبحث تقسیم گردیده که در مبحث اول به اهلیت و آثار آن در تصرفات شخص و همچنین آثار حقوقی فقدان اهلیت منجر به حجر و محجور شناخته شدن فرد می گردد پرداخته است و در مبحث دوم رشد را که یکی از ارکان اهلیت می باشد و ارتباط مستقیم با موضوع این تحقیق دارد بطور خاص مورد ارزیابی قرار داده و همچنین آن را در بعضی از شاخه های علمی و همچنین آثار و احکام آن را در حقوق موضوعه به تفصیل بیان نموده است .

مبحث اول - اهلیت و حجر

گفتار اول - اهلیت:

اهلیت به معنی عام عبارت است از صلاحیت شخص برای دارا شدن و اجرای حق. در این معنی اهلیت کامل مورد نظر است. اما گاهی از این کلمه فقط توانایی دارا شدن حق یا اجرای آن را اراده می‌کنند و این اهلیت به معنی خاص است.^۱

در تقسیم‌بندی اهلیت خاص حقوقدانان عناوین دیگری نیز بکار برده‌اند. از جمله در خصوص اهلیت دارا شدن حق، از اهلیت تمتع^۲ و اهلیت تملک و اهلیت استحقاق^۳ نیز نام برده‌اند.

شایان توجه است که چون اهلیت اجرای حق از نظر استعمال آن در نوشته‌های حقوقی غلبه دارد هنگامی که اهلیت به طور مطلق استعمال می‌شود منظور اهلیت اجرای حق است.^۴ در قانون مدنی نیز اهلیت بیشتر به همین معنی بکار رفته است به ویژه در مواد ۱۹۰ و ۲۱۰ تا ۲۱۲^۵ قانون مدنی و مواد دیگری که در آنها اهلیت به عنوان یکی از شرایط اساسی معامله ذکر

۱ - سید حسین صفایی و سید حسین قاسم زاده، *اشخاص و محجورین*، چاپ دوم، (تهران: انتشارات مهر، ۱۳۷۶)، ص ۱۵۲.

۲ - سد حسن امامی، *حقوق مدنی*، چاپ هفتم، (تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸)، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۴.

۳ - ناصر کاتوزیان، *قواعد عمومی قراردادها*، چاپ ششم، (تهران: انتشارات بهمن، ۱۳۸۳)، ج ۳، ص ۲.

۴ - محمدجعفر جعفری لنگرودی، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، چاپ اول، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۷)، ص ۹۸.

۵ - ماده ۱۹۰ ق.م: «برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱- قصد طرفین و رضای آنها، ۲- اهلیت طرفین و ۳- ...».

ماده ۲۱۰ ق.م: «متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند.»

ماده ۲۱۱ ق.م: «برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند، باید بالغ و عاقل و رشید باشند.»

شده است همین مفهوم مورد نظر قانونگذار بوده است.

الف - اهلیت تمتع

اهلیت تمتع را به قابلیت شخص جهت دارا شدن حقوق مدنی و توانایی شخص برای دارا شدن حق و تکلیف نیز تعریف کرده‌اند.^۱ البته هیچ یک از اصطلاحات متداول فارسی برای بیان این مقصود کافی به نظر نمی‌رسد چون اهلیت دارا شدن حق و اصطلاحات مشابه ناظر به توانایی دارا شدن حق است و هیچ یک بیانگر این مفهوم نیست که شخص ممکن است تکلیفی داشته باشد و حقی برای دیگران و به ضرر او ایجاد شود.^۲

در اهلیت تمتع شخص توانایی قانونی برای دارا شدن حق را دارد و می‌تواند طرف حق قرار گیرد اما ممکن است شخصاً و بدون دخالت دیگری حق خود را نتواند اعمال کند. مثل صغیر، مجنون و غیر رشید. چنین افرادی ممکن است مالک یا طلبکار باشند لیکن نمی‌توانند شخصاً و بدون دخالت نماینده قانونی خود مال خویش را بفروشند و یا اجاره دهد و یا طلب خود را وصول نمایند چنین اشخاصی از اهلیت تمتع برخوردار بوده ولی از اجرای آن یعنی اهلیت استیفاء ناتوان می‌باشند.

ب- اهلیت استیفاء یا اهلیت اجرای حق:

اهلیت دارا شدن حق همیشه همراه با اهلیت اجرا نیست. چه ممکن است، شخص حقی داشته باشد، ولی نتواند آن را شخصاً اعمال و اجرا کند. کسانی که دارای حق هستند، یا عهده‌دار تکلیفی می‌باشند، زمانی می‌توانند حق یا تکلیف خود را اجرا نمایند که توانایی و شایستگی آن را دارا باشند. در حقوق ایران به این اهلیت، اهلیت استیفاء^۳ یا اهلیت تصرف^۴ نیز گفته‌اند.

ماده ۲۱۲ ق.م: «معامله با اشخاصی که بالغ و عاقل یا رشید نیستند بواسطه عدم اهلیت باطل است.»

۱ - سید حسن امامی، پیشین، ص ۲۰۳.

۲ - سید حسین صفایی، پیشین، ص ۱۵۳.

۳ - سید حسن امامی، پیشین، ص ۲۰۴.

۴ - ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۲ و ۳.

ج - مبنا و اوصاف اهلیت:

اهلیت دارای مبنا و خصایص و اوصافی است که شناخت و تبیین آنها ما را در شناسایی اهلیت و تفکیک آن از مواردی که ممکن است با اهلیت اشتباه شوند، یاری می‌دهد.

۱- مبناي اهلیت

در ماده ۹۵۶ ق.م آمده است: «اهلیت برای دارا بودن حقوق با، زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.»

مستفاد از این ماده و مواد ۹۵۷ و ۹۵۸ مبناي حقوقی اهلیت تمتع، انسان بودن است. همین که وجود و شخصیت انسان شکل گرفت و آدمی پا به عرصه زندگی گذاشت، توانایی دارا شدن حقوق را کسب می‌کند: حتی انسان، قبل از تولد دارای اهلیت تمتع ناقص است و بعد از تولد تا زمان مرگ این توانایی را حفظ خواهد کرد.^۱

اما مبناي اهلیت استیفاء داشتن تمیز و درک است، زیرا اراده انشایی که برای انجام دادن اعمال حقوقی لازم و ضروری است، فقط در اشخاص دارای تمیز موجود است.^۲

حال اگر تمیز مورد نظر کامل و کافی باشد اهلیت شخص نیز کامل خواهد بود، مانند انسان رشید که دارای درک و تمیز کامل است و خوب و بد و سود و زیان را تشخیص می‌دهد. و معنی عقود و ایقاعات و اعمال حقوقی را درک می‌کند. پس اهلیت او نیز کامل است. ولی اگر تمیز شخص کامل نشده باشد، بلکه فقط برخی امور و مسائل را از یکدیگر تمیز دهد، نسبت به آن مسائل اهلیت پیدا می‌کند. و به دیگر سخن، دارای اهلیت نسبی می‌شود. مانند سفیه که چون نسبت به امور مالی درک و تمیز کافی ندارد و نمی‌تواند اموال خود را به نحو عاقلانه اداره کند. در این امور فاقد اهلیت است (ماده ۱۲۰۸ و ۱۲۱۴ ق.م).

۲- اوصاف اهلیت

شناسائی اوصاف اهلیت باعث می‌شود که آن را از دیگر مفاهیم حقوقی مشابه تفکیک کنیم از جمله تفکیک اختیار از اهلیت استیفاء است که هرگاه شخص فاقد حق و اهلیت تمتع بوده ولی بموجب قانون یا قرارداد، اذن امور دیگران و انجام دادن اعمال حقوقی به نام و حساب

۱ - سید حسین صفایی ، پیشین، ص ۱۵۵.

۲ - همان.